



## روز زبان مادری گرامی باد!



هیئت سیاسی - اجرائی حزب چپ ایران

امروز ۲۱ ماه فوریه - سوم اسفند ۱۴۰۳ - روز جهانی زبان مادری است. روزی که در آن صدها میلیون تن ارزشی را قدر و احترام می‌گذارند که به انسان اجازه می‌دهد تا از طریق همان خودداشته‌اش به ارتباط با هستی و محیط زیستی خود برآید. این روز اما برای آن صدها میلیون تن دیگر از بشریت اهمیتی دوچندان دارد که هنوز هم از آموزش به زبان مادری خود محروم هستند. ۲۱ فوریه برای این بخش از جهانیان روز بلند کردن صدای دادخواهی علیه ستمی دارد که هنوز هم کماکان ادامه دارد. روز ۲۱ فوریه در اصل به خاطر دادخواهی به خون کشیده شده‌ی سال ۱۹۵۲ در بنگال بود که زائیده و نامیده شد. سال ۱۹۹۹ یونسکو به این روز رسمیت جهانی بخشید و با اعلام سال ۲۰۰۸ به عنوان سال زبان مادری، فرایند آغاز شده در زمینه‌ی حفظ حق و حرمت زبان مادری تثبیتی باز بیشتر یافت.

این روز از آن رو اهمیت دارد که انسان مهم است؛ آدمی همانا به زبان است که وارد در روابط اجتماعی پر دامنه می‌شود. برای این موجود اندیشمند، زبان نه فقط ابزار بیان فکر که سازنده‌ی فکر است. اگر ستم بزرگ و دردمندانه‌ای است وقتی که طبیعت و یا حوادث آدمی را از سخن گفتن باز دارد، چنین ستمی ولی آن‌گاه جنبه‌ی دهشتناک به خود می‌گیرد که استثمار زبانی انسان به دست انسان رسمیت پذیرد و نهادینه‌ی سیاسی و اجتماعی شود. تبعیض زبانی، ظلم و اجحاف عظیم انسان بر انسان است که از طریق دولت‌ها اعمال می‌شود. این ستم، تخطی از برابر حقوقی و سرکوب حق انسانی دیگر است.

زبان‌ها جدا از حد صیقل یافتگی‌شان که طبعاً در مورد زبان‌ها متفاوت است، در جوهره‌شان اما متساوی الحقوق‌اند؛ زیرا که انسان‌ها برابر حقوق‌اند. پس هیچ توجیهی ندارد که کودکانی به‌طور طبیعی روز نخست آموزش در بیرون از منزل را با همان زبان مادری به جشن بنشینند و نوباوگانی دیگر اما نتوانند از همین وضع و حق طبیعی برخوردار شوند. کودکانی که، ناچار از آن‌اند تا فضای مدرسه را در بیگانگی با محیط منزل تجربه کنند. این نابرابری شرایط، نمی‌تواند نابرابری رشد و شکوفایی در پی نیاورد. آمار مربوط به

سطح سواد در کشور نشان می‌دهد همین محرومیت از آموزش به زبان مادری در زمره‌ی عوامل ناترازی‌ها در این زمینه است. بنا به کدام منطق جز تنگ‌نظری ملی این را بر می‌تابد که کودک مستعد آموزش چندین زبان در اندک زمان، نتواند نخستین یادگیری خواندن و نوشتن را به زبانی غیر از زبان مادری بی‌آغازد؟ تبعیض زبانی صرفاً نه اجحاف فرهنگی بلکه ستم سیستماتیک سیاسی است.

این تبعیض و ستم خشن، در ایران عمری بیش از یک قرن دارد. در این سرزمین کودکان بلوچ، ترک آذری، ترکمن، عرب، کرد و ... حق نداشته و ندارند که همانند همسالان فارس زبان خود در زبانی بشکفند و بی‌الند که با آن چشم به دنیا گشوده‌اند. بنا به این تبعیض، آدمی اگر به اصوات در زبان مادری حق دارد لیخند بزند، یادگیری در نوشتار را ولی ناگزیر است با تحکم و ممنوعیت شروع کند. این، نقض آشکار حق بشری اوست و نوعی از فرهنگ‌کشی، چرا که نهال طبیعی آموختن را قطع می‌کند.

این اما ستم در حق زبان هم است و نه فقط صاحب زبان. چرا که شکوفایی زبان به خلاقیت فرزندان است. این محروم کردن زبان از بازآفرینان آن است. گرچه گستره و ژرفا و غنای زبان فارسی مدیون خلاقیت هنری و فکری همه‌ی باشندگان ایران و حتی این فلات قاره است و می‌توان به این بارآمده‌ی تاریخی افتخار کرد، اما نمی‌شود از این اندوه نخورد و خشماگین نشد که چرا بنا به سیستم یک ملت - یک زبان، نباید دیگر زبان‌های این آب و خاک امکان رشد می‌یافتند. ثروتمند کردن یک زبان به ضرر فقیر نگه داشتن زبان‌های دیگر، نه فرهنگ‌سازی که عین فرهنگ‌ستیزی است. اگر آدمیان در تنوع اند و داشته‌هایشان نیز متنوع، پس کسی هم حق ندارد این حق را از انسان‌ها بستاند.

حزب چپ ایران در این روز جهانی زبان مادری، بار دیگر چون همیشه بر اصل برابرحقوقی زبان‌ها پای می‌فشرد، مخالفت خود با هرگونه تبعیض زبانی در هر نقطه از جهان و مخصوصاً میهن‌مان ایران را اعلام می‌دارد، پیگرانه معترض به ممنوعیت آموزش به زبان مادری در حق میلیون‌ها کودک ایرانی است و برای تحقق این حق انسانی در کشور از هیچ کوشش مبارزاتی دریغ نکرده و دست نخواهد کشید. ما بر ارزش و غنای باز فزون‌تر زبان فارسی به عنوان زبان ارتباطی و مشترک در کشور تاکید می‌ورزیم، در همان حال ولی ضمن تصریح بر ضرورت رفع ستم زبانی از هر زبان کشور، بر سیاست جبرانی در این زمینه هستیم.

به باور حزب ما، تنوع زبانی در ایران، ثروت ملی کم‌مانندی برای کل ایران است، هرگاه که ارزش آن شناخته آید و محترم شمرده شود. اما جمهوری اسلامی نه تنها کشور را از بهره‌مندی درون‌مرزی از چند فرهنگی و چند زبانی بودن و استفاده از چنین داشته‌ی ارزشمندی برای برقراری ارتباطات همسایگی و مبادلات اقتصادی و فرهنگی با هم مرزی‌ها محروم کرده است، بلکه با سیاست‌های ضد دمکراتیک در این زمینه همانند دیگر عرصه‌ها به احساس بیگانگی زبانی و فرهنگی در کشور دامن می‌زند. این دیگر فراتر از ثروت‌سوزی است. تولید نفاق و نقار بر متن مسئله‌ی ملی است. مسئله‌ای که، یکی از چالش‌های بسیار حساس و مهم کشور به شمار می‌رود و در آن تبعیض زبانی هم‌چون گره‌گاه عمده است. عوارض ستم زبانی فقط هم متوجه بخش بزرگی از جمعیت کشور نیست، در اصل علیه همه‌ی مردم ایران عمل می‌کند. زیرا این روال، وحدت کشوری را که شرط توسعه‌ی پایدار است، در معرض تهدید قرار می‌دهد.

بدیل این خطر و مشابه‌های آن که جملگی متوجه مصالح ملی و هر شهروند ایرانی‌اند، همانا برپایی یک ایران دموکراتیک عاری از انواع تبعیضات و نابرابری‌هاست. آرمان و هدفی که از منشور مبارزه با هر نوع ستم و تبعیض می‌گذرد و تلاش برای گذار از جمهوری اسلامی به سکولار دمکراتیسمی مبتنی بر عدم تمرکز می‌طلبد. حزب ما چنین هدفی را در ساختار جمهوری سکولار دموکرات می‌داند و مناسب‌ترین شیوه‌ی تحقق برابرحقوقی ملی در آن را هم فدرالیسم می‌شناسد.

## هیئت سیاسی - اجرایی حزب چپ ایران

۳ اسفند ۱۴۰۳ - ۲۱ فوریه ۲۰۲۵

• چاپ